



شاعری از دیار قهستان

نرجس سپهرنژاد^۱

چکیده

در مقاله حاضر کوشش شده ضمن معرفی شخصیت حکیم نزاری قهستانی به سبک شناسی شعر و جایگاه ادبی او در شعر پارسی پرداخته شود و از آن جایی که دانش سبک شناسی به ما اجازه می دهد تا با مطالعه دیوان های شعری و بررسی متون ادبی به سایه روشن های زندگی، طرز تفکر و اندیشه شاعران و نویسندگان پی ببریم، لذا در این موجز نیز علاوه بر موارد بالا دیوان نزاری را از سه جنبه زبانی، ادبی و فکری مورد مطالعه قرار داده ایم.

نکته قابل توجه این که شعر نزاری آینه تمام نمایی از اندیشه و طرز تفکر شیعی است. همچنین تاثیر محیط بیرجند و ناحیه کوهستانی قهستان باعث شده تا سبک شخصی او از گونه دیگر باشد که با کند و کاو دیوان، حرف های تازه هرچند اندک را در سبک شخصی او در یافته، به نتایج زیر دست یافته ایم:

در بخش لغوی بر واژگان خاص شاعر مانند: عرق چین، عناب، نخ و نسبیج و... تاکید شده است. همچنین واژگان دشوار عربی، واژه های ترکی - مغولی و واژگان کهن نیز به لحاظ سبکی بررسی شده است.

در بخش ادبی کاربرد آرایه های ادبی در دیوان و ارتباط نزاری با دیگر شاعران مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش فکری تفکر و عقیده نزاری نشان داده شده که وی با تلفیق عشق و تصوف و عقاید شیعی سنت جدیدی را در غزل پایه ریزی کرده است. همچنین جایگاه ویژه معشوق نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

در بخش پایانی نیز به سبک شخصی و تأثیر محیط بر شعر او پرداخته شده که در نوع خود کم نظیر است.

کلیدواژه: نزاری قهستانی، سبک شناسی شعر، قرن هشتم.

مقدمه

«سبک در لغت به معنی گداختن سیم و جز آن»^۱ است. و در اصطلاح ادبی طرز و شیوه و روشی که هر فرد در زندگی روزمره آن ها را به کار گیرد همان طور که هر شخصی خطوط دست و انگشتانش یا صدای حنجره او با دیگران متفاوت است بنابراین رفتار و منش او نیز با دیگران متمایز است.

۱. مدرس و پژوهشگر دانشگاه آزاد اسلامی واحد بادرود



با دقت و نکته سنجی و دانستن علم سبک شناسی می توان دریافت که اگر دو شاعر یا دو نویسنده که هم عصرند و ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند می توان در شکل و شیوه گویش و تفکرشان تفاوت هایی قائل شد.

برای بررسی و مطالعه دقیق و سبک شناسی یک اثر باید به سه مفهوم کلی سبک ادبی و سبک دوره و سبک شخصی توجه داشت که دو مورد اخیر بیشتر مورد توجه سبک شناسان بوده است. چنان که سبک دوره منظور آغاز و انجام یک دوره با ویژگی های همان دوره است همان طور که اگر در یک دوره نظام جامعه بهم بریزد تغییر و تحول سبکی نیز دیده می شود به طوری که با حمله مغولان در قرن هفتم نظام جامعه در آن دوره بهم می ریزد و تحولات سبکی در زبان شاعران و نویسندگان دیده می شود.^۲

چنان که در شعر نزاری نیز آمدن واژگان ترکی - مغولی بیانگر همین معناست که در بخش لغوی به آن می پردازیم.

همچنین به لحاظ سبک شناسی می توان به این نکته پی برد که به طور مثال اگر شاعری مانند خاقانی که در آذربایجان زندگی کرده و با محیط خاص و زمستان های سرد شروان خو گرفته با شاعری مانند سعدی و حافظ که در ناحیه گرمسیری شیراز زندگی کرده اند مقایسه کرد می توان تفاوت هایی بسیاری در شعرشان ذکر کرد و حرف های تازه ای را بیان نمود. با توجه به این مورد می توان دریافت که محیط زندگی بر تفکر و شعر شاعران می تواند تا حدودی اثر گذار باشد. این نوع تاثیر محیط بر شعر نزاری نیز تاثیر خاص دارد و بر تفکر او رسوخ کرده که در قسمت سبک شخصی به آن خواهیم پرداخت.

علاوه بر این مورد فعالیت های سیاسی و مذهبی و اجتماعی و یا برخی اعتقادات و تعقبات دینی و مذهبی نیز در تفکر و روان شاعر اثر گذار است و در شعر آنان خود رانشان می دهد و انعکاس آن در اثر کاملا قابل توجه است. چنان که نزاری قهستانی و ناصر خسرو که هر دو شیعه اسماعیلی مذهبند و کاربرد واژگان مذهبی، نمودی از تعصبات این دو شاعر است و بسامد آن قابل ملاحظه است که در بخش فکری آن را بررسی خواهیم کرد.



حال با توجه به موارد ذکر شده خواننده هر اثری می تواند با توجه به نگرشی خاص و دید سبکی که دارد این موارد را مورد مطالعه قرار دهد و به نتایجی مطلوبی برسد و حرفهای تازه ای را بیان کند و به تفکر، آداب، رسوم و اخلاق یک صاحب اثر پی ببرد.

شرح حالی از حکیم نزاری قهستانی ۳:

حکیم نزاری البیرجندی هو العلامه الشهير و الحبر النحیر ملک الحکما، امام العرفا، الحکیم الالهی الربانی و العارف الکامل الصمدانی ابو المحامد حکیم نزاری البیر جندی الباغرانی قدس سره، جنابش از مشاهیر حکماء اسلام و عرفا عظام و از بزرگان قرن هفتم و هشتم هجری است. ذکر جمیلش در غالب کتب تواریخ مسطور و به لطافت طبع و علو مرتبت مذکور است. مصنفاتش همچون باد صبا در همه جا جاری و کلمات حکمت آیاتش در هر شهر و دیار ساری و اشعار بلندش بر علو مقامش آیتی است لامع و شهرت دستور نامه بر اشتهار نامش برهانی قاطع، که المرء مخفی فی طی لسانه، لا فی طیلسانه.^۴

حکیم سعد الدین نزاری قهستانی از شعرای اسماعیلی قرن هفتم و هشتم هجری است. ولادتش را به سال ۶۴۵ نقل کرده اند. نام وی چنان که در مجمل فصیح خوافی^۵، که قدیمترین مآخذ درباره اوست سعد الدین است و نزاری خود گوید:

جام جم سعد دین نزاری این است با هم نفسی که دم بر آری این است

در مورد تخلص ولی اقوال گوناگونی آمده که برخی او را منسوب به خلیفه فاطمی نزاری المصطفی لدین الله نزار می دانند و برخی می گویند چون نزاری مردی لاغر اندام و نحیف و نزار بوده است، این تخلص را برای خود انتخاب کرده است. یا شاید چون نزاری می خواسته از مردم زمانه تافته جدا بافته باشد، این تخلص را برای خود برگزیده چنان که «اهلی» یا «وحشی» نیز چنین تخلص هایی را برای خود انتخاب کرده و ربطی به رفتار آنان ندارد.^۶

از آن جایی که نزاری شاعری اسماعیلی مذهب است پدرش در زندگی او نقش مهمی را در شکل پذیری جهان بینی نزاری ایفا می کند و گویا اولین مربی اسماعیلی او پدرش بوده است. چنان که از



چکامه های نزاری بر می آید، به واسطه پدر «تغییر مشرب داده»^۷ زیرا در ابتدا نزاری در مکتب استادان سنی مذهب درس خوانده بود و به واسطه عتاب های مکرر پدرش شیعه اسماعیلی می گردد.

خانواده نزاری در میان مردم بیرجند از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار بوده اند و نزاری دارای سه فرزند پسر با نام های تاج الدین، شاهنشاه و نصرت بوده است. یکبار زمانی که نزاری در سفر به سر می برده به او اطلاع می دهند که جگر گوشه اش تاج الدین آخرین فرزند او دارفانی را وداع گفته و نزاری مرثیه ای سوزناک با ردیف «بسوخت» و «بشکست» می سراید، که این ردیف با مضمون مرثیه بی ارتباط نیست و او می گوید: «پشت پدر شکست». علاوه بر این نزاری در سنین کهولت همسر و جفت و یار نازنینش را از دست می دهد و با توجه به این که خانواده او مورد احترام مردم بیرجند بودند زن و مرد بیرجند در ماتم این زن به سوگ می نشینند و نزاری می گوید:

جفت شریف بودی و طاق او فتاده ام بی تو نه صبر و طاقت و آرام خورد و خواب

نزاری در سنین جوانی در خدمت طوغان خان حاکم مغولی قهستان بوده و چون کارگزار حکومتی او محسوب می شد لذا او را بر حسب وظیفه به مسافرت های متعددی می فرستاد و چون اکثر این سفرها فرمایشی بود، نزاری در حالت آوارگی و به دور از محیط خانواده بسر می برد و احساس نارضایتی می کرد و در سرتاسر دیوان او گلایه های از سفر مشاهده می شود. نزاری در برگشت از سفرهایش وقتی به قهستان باز می گردد به خدمت علی شاه حاکم وقت آن زمان در می آید و در زمان او به مقام وزارت منسوب می گردد.

طولانی ترین سفر او به ماوراء قفقاز بوده و این سفرها باعث می شده تا دید شاعر نسبت به محیط اطراف گسترده تر گردد و مسلماً در سبک شعری او بسیار اثر گذار بوده است.

از آن جایی که این شاعر نازنین و غزلسرا بیشتر اشعارش در مورد باده گساری و عقاید اسماعیلی بوده، بنابراین این اشعار را از شاه مخفی نگه می داشته و با متوجه شدن شاه از این قضیه از دربار رانده می شود و با رانده شدن او سبک شعریش نیز تغییر می کند چنان که برای دلجویی از شاه منظومه هایی می سراید که بارزترین آن ها ادب نامه است و شیوه گفتار او در این منظومه ها بیشتر تظاهر گرایی است که با غزلیاتش بسیار متفاوت است.



در مورد وفات نزاری اقوال گوناگونی آمده اما بیشتر نویسندگان وفات وی را به سال ۷۲۱ ه.ق می‌دانند. آرامگاه این حکیم و شاعر نامدار پارسی زبان در بیرجند زیارتگاه علاقمندان می‌باشد. و عبدالحسین فرزین^۸ ماده تاریخی به مناسبت تعمیر و مرمت آرامگاه نزاری این شاعر همیشه منتظر، دائم الانتظار و مترصد سروده است با مطلع:

رسیده مژده که آماده شد مزار نزاری سر آمد عاقبت الامر انتظار نزاری

ص ۵۶۹

جایگاه حکیم نزاری در شعر پارسی

با توجه به این که حکیم نزاری از جمله شاعرانی است که آثار علمی و ادبی او مرزها را در نوردیده و در زمره آثار جهانی قرار گرفته است و شرق شناسانی چون یوگنی برتلس، اشپینگر، هرمان اته و براون به تحقیق در مورد زندگی او پرداخته اند که البته این به خاطر عقاید اسماعیلی اوست اما جای بسی تاسف است که بسیاری از ایرانیان جایگاه این شاعر نازنین را نشناخته اند و کلام دلکش و شعر شکر شمار او را ضبط خاطر نکرده اند.

وی شاعری لطیف طبع و صاحب شیوه است و بروان اشعار او را دارای روحی شاعرانه و از مقوله خمريات ذکر کرده است.^۹

و دکتر خانلری کیا شیوه وی را نزدیک به سعدی می‌داند.^{۱۰}

اما این که چرا شاعری چون نزاری با این همه اعتباری که در قلمرو شعر و ادب دارد مقتدای گویندگان پس از خود قرار نگرفته چنین است: زیرا نزاری گرایش به آیین فاطمیان دارد و تعصب حدود ناپذیر او در این مذهب او را منزوی نموده و سراینندگان بعد از او که دید بد و غالباً خصمانه نسبت به این دین داشته‌اند و نام اسماعیلی را شوم می‌پنداشتند بنابراین از مطالعه شعر و افکار نزاری بی‌زاری می‌جستند.^{۱۱}

نزاری از جمله شاعران اولیه مکتب تلفیق است که مضامین فکری و ادبی را که از قرن ششم رواج داشته در شعر می‌آورد و چون حد فاصل و واسط میان دو شاعر بلند آوازه و صاحب سبک



چون سعدی و حافظ است بنابراین این مضامین را از سعدی گرفته و بر شاعران بعد از خود چون حافظ که خاتم الشعرا مکتب تلیق می باشد انتقال می دهد. و ناگفته پیداست که با وجود شاعری طراز اول و صاحب سبکی چون حافظ که مضامین را رندانه تلیق کرده، شاعری چون نزاری آوازه و شهرت چندانی نخواهد داشت.

اما با تمام این احوال نزاری با تلیق عشقی که سعدی سر آمد آن بوده و عرفانی که مولانا آن را به اوج رسانده و همچنین عقاید اسماعیلی خودش، سنت جدیدی را در ادبیات ایران زمین بنیان گذاری کرد که به نوعی صاحب سبک تلقی می گردد.

سبک شناسی دیوان حکیم نزاری قهستانی :

چنان که قبلاً اشاره شد عمده کار این مقاله سبک شناسی دیوان نزاری در سه سطح زبانی - ادبی و فکری است. همچنین پرداختن به سبک شخصی نزاری است که در نوع خود کم نظیر است.

نزاری از جمله شاعران غزلسرای خطه خراسان است و غزل او به شیوه سبک عراقی است اما در غزلش از برخی مختصات سبک خراسانی استفاده کرده که این دقیقاً مربوط به همان منطقه جغرافیایی خراسان و زادگاه او است تا جایی که غزل او را سخت و دشوار می کند و گاه غزل او را به سر حد قصیده می کشاند. از جمله آوردن: اشباع - ابدال - تخفیف مشدد - تشدید مخفف و در قسمت لغوی استفاده از واژگان کهن و قدیمی مانند (کشمان: زمین زراعت شده: ۱۵۰)

(دخ دخ : فوج ، ۱۵۰) (خلنج: دورنگ، ۵۲۹) (سگال: اندیشه ، ۶۴۳) (کها: خجل و شرمنده ، ۷۴۶) (نخست : نیازد، ۸۱۰) (دستوانه: ساعد بند آهنین، ۵۲۲-۱۱۷۳) (پرکاله^{۱۲} : فصله ای که در جامه کنند، ۱۳۴۷) (فریز : پریز: سبزه که در کنار جوی و رودخانه بروید، ۱۲۵۴) (خایسک: چکش: ۵۹۱/۲)....

همچنین به کار بردن واژگان پهلوی از جمله آوردن: (اندر به جای در) و یا (فسوس به معنی مسخره) و یا (استفاده از مصادر عربی مانند احتمال و التفات) که در شعر سعدی نیز بسیار به کار رفته است و از جمله واژگان خاص سعدی محسوب می شود.^{۱۳}



از دیگر ویژگی های زبانی که بسیار به چشم می خورد آوردن پسوند کاف است و این ویژگی هنوز در گفتار های عامیانه مردم بیرجند رواج دارد، و نزاری یک غزل را با این ویژگی آورده است و به اصطلاح نوعی شوخی و دلبری نموده و به گونه ای جلب توجه کرده است و مطلع این غزل چنین است:

ساقیک ظریف من جامک آبگینه را پیش ترک بده بیا بندگک کمینه را

ص ۵۴۴

خواجوی کرمانی نیز غزلی به همین شیوه دارد با مطلع :

دیدم از دور بتی کامکش و مُشکینک دهنش تنگک و چون تنگ شکر شیرینک

ص ۲۹۳

نزاری در دیوانش از واژگان عربی نیز بسیار استفاده کرده از جمله : خندریس - سماوات - بواب....

از دیگر مختصات سبکی دیوان او به کار بردن واژه در معنای خاص است مانند (بو: امید) (شوخ: گستاخ) (پشت پا: روی پا) (احتمال : تحمل کردن)^{۱۴}....

محمل لیلی برفت طاقت مجنون نماند چند کند احتمال چو نرود بر قفا

ص ۴۸۹

سعدی نیز در دیوان خود این ویژگی را آورده و به معنای تحمل کردن است:

از دست رفتن دیوانه عاقلان دانند که احتمال نمانده است ناشکیبا را

سعدی ، دیوان ۵۸۶

ویژگی دیگر دیوان استفاده از واژگان ترکی - مغولی است که با توجه به حمله مغولان زبان متحول گشته و این واژگان رواج یافته و نزاری آن ها به طور قابل توجهی در شعر خود می آورد که به این واسطه آشوب های مغولان را نیز نشان می دهد:

عقل به یاسای عشق زهره ندارد هیچ کبوتر به پیش باز نیاید

ص ۱۱۸۲



بر اسب جفا کوتلی بر فزودی جفا بر فزودی ستم غوش کردی

ص ۴۲۳/۲

نمونه های دیگر : (بل غاغ : فتنه ، ۴۹۰) (بغلتاق = کلاه ، ۵۶۹) (قراتمغه - آل تمغا = مهر سیاه - مهر سرخ ، ۱۱۰۷) (الام الام = پیغام و نوشته ، ۳۵/۲) (الجامشی = اطاعت ، ۵۷۸/۲) و...

واژه خاص شاعر: عرق چین

اما مهمترین ویژگی دیوان ، واژه خاص شاعر است ، که عرق چین می باشد و ۴۸ بار این کلمه به تکرار آمده است عرق چین نوعی از لباس مردم جنوب خراسان و «نوعی پیراهن نازکی است که در زیر پیراهن پوشند نه آن که زیر دستار نهند»^{۱۵} . نزاری علاقه خاصی به این نوع لباس دارد و بوی معشوق و رایحه بدن او را به جای پیراهنی که در شعر سعدی و حافظ آمده ، از عرق چین او استشمام می کند چنان که رایحه این عرق چین او را به مستی می کشاند.

باز مرا مست کرد بوی عرق چین تو در سرم افتاد شور زان لب شیرین تو

۲۹۴/۲

از آن جایی متوجه می شویم که عرق چین مورد نظر نزاری لباس یا عرق گیر است که نزاری همراه آن واژگان گریبان یا جیب را نیز به کار برده است:

در دم انفاس شیرینش خواص روح راح در گریبان عرق چینش نسیم مشک ناب

ص ۵۶۶

یا :

چو سر ز جیب عرق چین بر آورد گویی نسیم خلد ز دار القرار می آید

ص ۱۱۷۹

و یا آن را به پیراهن حضرت یوسف (ع) تشبیه می کند:

مرحبا با من عرق چینش چه معجز می کند آن که با یعقوب کرد از بوی یوسف پیرهن

۲۴۴/۲



همچنین به کار بردن افعال نیشابوری مانند: دیده ستی - شنیده ستی و حتی غزلی دارد با ردیف «نسته اند» با این مطلع:

کسانی که مارا ندانسته اند زبان ها به ما در کشانسته اند

ص ۱۱۲۰

اما در مورد ویژگی های ادبی دیوان، که شایان ذکر است این که نزاری قالب هایی را که در دیوان آورده است: غزل - قصیده - مثنوی - قطعه - رباعی - ترکیب بند و ترجیع بند است. اما سبک اصلی او غزل غنایی است و او در غزل و قصیده به مبارزه با سالوس گرایان می پردازد و قصاید مدحی اش با ردیف گل - مروارید - لعل و ... می باشد.

او قطعه هایی دارد با مضمون شراب نوشی و خوش باشی و در مقطعی سروده که ترک مقام و منصب گرفته و اشاره صریحی به صوف پوشی دارد.

او ۵ مثنوی با عنوان های سفر نامه - ادب نامه - شب و روز^{۱۹} - ازهر و مزهر و دستورنامه دارد که مشهور ترین آنها دستور نامه است.

وزن اشعار او ثقیل و سنگین است و احتمالاً از آن جایی که شاعری اسماعیلی مذهب بوده می خواسته عقاید خودش را بیشتر و بهتر تفهیم کند. بنابراین اوزان و بحوری را انتخاب می کند که با این وضعیت متناسب باشد.

او در شعر از قافیه دشوار عربی بسایر استفاده می کند مانند مسبب الاسباب - مفتاح الابواب - مجنس - مطوس - مقوس - قابض الارواح - فالق الاصباح و ... همچنین برخی واژگان کهن را نیز قافیه قرار می دهد مانند: شخ: - پلخ و ...

اما در مورد تخلص او قبلاً مختصری آورده ایم این که او همانند سعدی تخلص را در اکثر غزلیاتش بیت ما قبل آخر می آورد و علتش این است که چون سعدی به عنوان عاشق طرف صحبت و خطاب معشوق می باشد بنابراین وقتی در بیت آخر نام خویش را در خطاب به معشوق بیاورد سخنی بر زبان خواد راند که البته در بیت آخر تمام نخواهد شد و بدین ترتیب یک بیت دیگر پس از تخلص نیاز است تا سخن را تمام کند.^{۲۰}



در مورد ردیف باید بگوئیم که نزاری چون خواجوی کرمانی سعی دارد قدرت سخن پردازی خود را در ردیف اشعارش نشان دهد^{۲۱} و اکثراً ردیف هایی را به کار می برد که با مضمون غزل یا قصیده اش بی ارتباط نیست. از جمله ردیف چشم که انتظارش را در شعر بیان می کند: ۱- برای معشوق ۲- انتظار اسماعیلی

تا بر گرفته ام ز تو بی اختیار چشم خون کرده ام از فراق تو در انتظار چشم

ص ۱۷۴

و یا ردیف «شیرین» که احتمالاً نام معشوقه اش شیرین است که در جای جای دیوان نام او را به شکل های مختلفی می آورد.

مجنون در لیلی زد فرهاد در شیرین این جاسخنی دیدم همچون شکر شیرین

۲۷۳/۲

و یا ردیف برخاست که از دو جهت با شعر او ارتباط دارد: ۱- حمله مغولان که سعدی نیز این ردیف را دارد ۲- وقتی همسر نزاری مُرد فریاد از زن و مرد بیرجند برخاست.

هان کجایی که زهجرات قیامت برخاست فتنه بنشان که دگر باره ملامت برخاست

ص ۶۸۳

در دیوان نزاری گاهی ردیف های طولانی نیز دیده می شود از جمله:

جهان در سایه خورشید عشق است نهان در سایه خورشید عشق است

ص ۱۶۹

ارتباط شاعر با دیگر شاعران:

نزاری به طرز غزل سعدی شعر می گوید و به شاعران متقدم و معاصر خود نظر داشته است مانند رودکی - ناصر خسرو - شهید بلخی - فردوسی - مسعود سعد - خاقانی و

نزاری :

دیگر کسی صنم نپرستد به سومنات

نقش رخ تو گر سوی هندوستان برند



ص ۶۰۱

شهید بلخی :

ترا گر ملک هندوان بدیدی موی نماز بردی و دینار بر پراگندی

ص ۳۵

نزاری :

شدم از دست خیال تو چوسوزن باریک سر آن رشته هم البته زجایی باشد

ص ۱۰۹۷

مسعود سعد سلمان:

برم ز دستم چون سوزن آژده وشی تنم چوسوزن و دل هم چو چشمه سوزن

ص ۳۸۸

نزاری :

گر عاقلی نصیحت ضدان مکن قبول پرهیز کن که صحبت ضدان جهنم است

ص ۶۸۵

سعدی:

یارا بهشت صحبت یاران همدم است دیدار یار نا متناسب جهنم است

ص ۶۳ ، غزلیات

نزاری:

دلی که عاشق روی نگار دل بند است نه ممکن است که باصابریش پیونداست

ص ۷۵۷

سعدی:

دلی که عاشق و صابر بود مگر سنگ است ز عشق تا به صبوری هزار فرسنگ است

ص ۶۰ ، غزلیات



از دیگر ویژگی های ادبی دیوان او استفاده از صنعت ایهام است که شعر او نیز مانند حافظ چند گونه به نظر میرسد البته نه به زیبایی غزل حافظ و مشخص نیست عشقی که او در غزل آورده عرفانی است یا زمینی یا تلفیق هر دو.

ناگفته نماند که نزاری در غزل خیلی به آرایش های لفظی نپرداخته و کلام او همانند سعدی تا حدی ساده و روان است اما تشبیهات و استعاراتی را برای معشوق به کار می برد که بسیار جالب است.

اما در مورد ویژگی های فکری که مهمترین بخش دیوان است اینکه نزاری از جمله شاعران و داعیان مذهب اسماعیلی است و در شعرش رگه هایی از تعصب به مذهبش دیده می شود. علاوه بر این گرایش او به عرفان و تصوف بسیار است و او شاعری فلسفی از حکمای روزگار و عصر خویش است و در شعرش اصطلاحات اسماعیلی و عرفانی و فلسفی بسامد دارد.

در شعر او ستایش پرودگار - نکوداشت پیامبر (ص) دیده می شود. علاوه بر این او قصاید مدحی بسیاری دارد و شعر او متأثر از قرآن و حدیث است و این مورد، توجه او را به اسلام نشان می دهد. چنان که گفته شد کثرت اصطلاحات و واژگان اسماعیلی در شعر او نشانگر این است که وی از فرقه نزاریه است که نزاریه فرقه ای از اسماعیلیان اند که معتقد به امامت المصطفی لدین الله فاطمی معروف به نزاریه می باشند و به همین مناسبت به نزاریه شهرت یافته اند.^{۲۲} نزاریان در قهستان به سر می بردند و چون منطقه قهستان به دلیل راه های صعب العبور و فقر اقتصادی حاکم بر آنجا از بدو ورود اسلام به ایران اولاً آنجا پناهگاه خوبی برای زرتشتیان و کیش مانی بوده و عقاید و مذهب غیراسلامی در ناحیه قهستان بوده اند ثانیاً داعیان اسماعیلی نیز بعدها برای نشر عقاید و افکار خود به این ناحیه فرستاده می شدند و قیام دعوت اسماعیلی را آغاز کردند و نزاری نیز شاعری برخاسته از این خطه می باشد و او یکی از داعیان اسماعیلی بوده بنابراین اصطلاحاتی مانند تأویل گرابی، تاویل، تنزیل و... را می آورد و برای هر چیز از جمله قرآن، حج، روزه، نماز و... تاویل در نظر گرفته است. همچنین گرایش نزاری به باطنیه^{۲۳} و اینکه آنها برای هر ظاهری باطنی قائل بودند بسیار است.



علاوه بر این وی پیروی از امام وقت و پیروی از حجت را در شعرش می آورد. امام وقت در مذهب اسماعیلی دارای شرایط خاصی است، که بودن و ظهور و او واقعیتی است که نظم جهان ایجاب می کند و بودن او با هستی همراه است و هستی مستلزم وجود امام است و بدون امام این نظم برقرار نمی گردد...^{۲۴} علاوه بر این حجت نیز «مقامی» است فروتر از امام و جانشینان امام در یک ایالت یا استان موسوم به جزیره، چنان که ناصر خسرو حجت جزیره خراسان بود و جمله داعیان خراسان تحت نظر او بودند.^{۲۵}

همچنین در شعر نزاری گرایش به فلسفه نمود دارد و از اصطلاحات فلسفی به طور قابل توجهی استفاده نموده است که از آن جمله می توان به عالم امر، جوهر فرد، جبرگرایی ... اشاره نمود. چنان که وی معتقد به جبر الهی است و همه چیز را در لوح محفوظ نوشته شده می دانند. رها کنند مرا عاقلان چه می دانید قضای رفته به تدبیر باز نتوان داشت

ص ۹۱۰

با تمام احوالی که نزاری برخی عقاید فلسفی را دارد اما در مکتب تلفیقی اش تقابل عقل و عشق را می آورد و عشق را برتر از عقل می داند:

استاد کاملان همه عشق است و عقل و علم هستند در تمامی خود ناتمام عشق

ص ۱۳۴۵

اما در مورد گرایش نزاری به تصوف و عرفان این نکته شایان ذکر است که در واقع آثار نزاری نمونه قدیمی ترین تلفیق ادبی میان کیش اسماعیلی نزاری و تصوف در ایران است و از این بابت نماینده مرحله آغازین یک سنت جدید در ادبیات گردیده است.^{۲۶}

علاوه بر موارد بالا یکی دیگر از ویژگی های فکری در دیوان نزاری توجه بسیار زیاد وی به باده پرستی است و چنان که در دستورنامه، خود را مداح چهل ساله می معرفی می کند:

چهل سال مداح می بوده ام هنوزش به واجب بنستوده ام

ص ۲۵۶



و بارها و بارها به دلیل باده پرستی مورد ملامت و سرزنش رقیبان قرار گرفته است و چنان که از شعرش برمی آید او را وادار به توبه کرده اند و اما چون خودش رغبتی به چنین کاری نداشته چندین مرتبه توبه شکنی می کند و توبه را به زمهریری تشبیه می کند:

دانی که چرا بر آتش صهبا بسوختم تا زمهریر توبه چو یخ بفسرد مرا

۵۲۱

اما نکته مهم این است که شراب او شراب ظاهری نخواهد بود. شراب او شراب عشق و باده ناب الهی است که دل و جان نزاری را آرامش می بخشد و خودش اشاره دارد که شراب ما از شراب خانه وحدت است.

اما چون اهل اعتراض این شاعر عارف و عاشق را درک نکرده اند به ملامت وی زبان کشیدند و او را مورد سرزنش قرار داده اند. چنان که می گوید:

گذشت بر سرم از دست دل قیامت ها کشیدم از کس و ناکس بسی ملامت ها

ص ۵۷۷

جایگاه معشوق در دیوان نزاری:

اما زیباترین نکته در دیوان نزاری جایگاه معشوق است و از آنجایی که وی شاعری عاشق پیشه است در جای جای کلامش به توصیف و تعریف معشوق می پردازد و معشوق از نظر او انسان کاملی است به حدی که به تک تک اجزا و اندام او قسم یاد می کند و دوست خود را متعالی می بیند، چنانکه آرزو می کند لطف و عنایتی از جانب معشوق به او برسد.

نزاری تمام ادا، اطوار، رفتار و کردار او را زیر نظر می گیرد و از او به نیکی یاد می کند. او در مقابل عشق صبر ندارد و طاقت هجران و دوری را ندارد. او از معشوق خود دور افتاده است و همیشه به قول خودش منتظر و مترصد چو سگان چهار چشم بر سر راه او نشسته است. حتی غزلی با ردیف چشم دارد که انتظار او را کاملاً آشکار می کند و نزاری خود را در مقابل معشوق بسیار کم ارزش می داند و ارزش والایی برای معشوق قائل است. او از معشوقی که در قائن دارد به نیکی یاد می کند و دلتنگ او می گردد. نکته دیگری که باید گفته شود این که به نظر می رسد نزاری معشوقی



به نام شیرین داشته است و گویا نام همسر وی شیرین بوده است که در سرتاسر دیوان رگه هایی از تعلق خاطربه او را نشان داده است چنانکه غزلی عاشقانه با ردیف شیرین دارد که گویای همین نکته است.

نزاری مرتب واژه جفت و طاق را کنار هم می آورد و گویا به لحاظ سبک شناسی چون از یار خود به دور افتاده و از وی جدا شده این مورد در دیوانش بسامد دارد و این بهترین دلیل براین مدعا که می گوید:

جفت شیرین بودی و طاق افتاده ام بی تو نه صبر و طاقت و آرام و خورد خواب

به هر جهت معشوق او هم زمینی و هم آسمانی است. معبود الهی او از جایگاه خاصی برخوردار است و در زمان نزاری معشوق در پرده بوده است اما برای نزاری گاهی محبوب و گاه بی حجاب است و وقتی هرگاه معشوق محبوب به نزاری عاشق می رسد نقاب از رخ فرو می گیرد:

در خرامیدی و به حسن و بذله دردادی به لطف تازه بنشستی و خوش از رخ برافکندی نقاب

ص ۵۶۵

حال اگر از دید عرفانی بنگریم ناگفته پیداست معبود برای نزاری بی حجاب و پرده است همچنین چون او شاعری اسماعیلی مذهب است و باطن گرایی او مشخصه اصلی این نوع تفکر اسماعیلی است بنابراین برای باطنیان کشف سر و حقیقت آشکار است و خود می گوید در عالم وحدت جمال و بقای نیست و هرچه هست بر پرده عیان است:

در عالم وحدت نبود حکم دو وجهی آنجا نتوان گفت جمالی و نقابی

۳۹۷/۲

اکنون به بررسی معشوق در شعر او می پردازیم:

در مقابل معشوق صبر ندارد:

از منش یاد نمی آید و خود می داند که از او صبر ندارم من مسکین نفسی

۵۲۴/۲

خطاب به معشوق می گوید تو نیازی به آرایش نداری (غیرت عاشق):



تو به آرایش هر روزه نداری حاجت رخ زیبای تو مشاطه فطرت آراست

ص ۶۴۵

از معشوق اخمو دلگیر است:

تازه رو باش و میانداز گره بر ابرو به کدورت نتوان خورد می روشن را

ص ۵۳۴

سوگند خودن و قسم یاد کردن به اجزای بدن معشوق (علو مقام معشوق):

گه مجموع و گه پریشان کرد	به دو زلفت که روزگار مرا
گه معمور و گاه ویان کرد	به دو چشمت که ملک پیمان را
بر دل از غمزه تیر باران کرد	به کمان دو ابرویت که مرا
لقبش رشک زاده کان کرد	به دو لعل لب که جوهر عقل
خاک در چشم آب حیوان کرد	به دهانت که معجز دو لبش

ص ۱۰۳۴

لب معشوق را گاهی تریاکی و سیاه رنگ می داند:

باروبرت سیب و عنب نوشین دهان تریاک لب وزغمزه ولب ای عجب! هم جان وهم دل می بری

۴۹۷/۲

غم معشوق مانند رسم قصابی است:

غمت به تیغ بلا پوست باز کرد ز من ندانم از که درآموخت رسم قصابی

۳۹۲/۲

گاهی معشوق را مورد عطا و سرزنش قرار می دهد و او را تهدید می کند (واسوخت):

نه پرسیدی نه پیغامی فرستادی درین مدت مگر بگذشت ایامی که دردم را دوا بودی

ص ۴۳۶

می روی می دهدت دل که مرا بگذاری برو اکنون که تو نامردمی و نیاری

ص ۴۶۷/۲



چهره معشوق همانند آفتاب است و نزاری درمقابلش چون خفاش می باشد:

خفاش ز نور در حجاب است زیرا که از آفتاب دور است

ص ۸۷۶

از آنجایی که در روزگار نزاری عشق به پسران زیبا و خوش خط و سیما رواج داشته شاعر زیبا پسند ما نیز از این مقوله نیز دور نبوده بنابراین با تلفیق دو چهره عاشقانه و عارفانه در شعرش این گونه عشق بازی را بیان می کند:

ای پسر سیم تن گشت شکفته سمن وز خوشی آخر چمن زار و مستعار
خیز نزاری و شو باغ نو و یار نو نغمه مرغان شنو از سر هر شاخسار

ص ۱۱۹۷

نزاری در مقابل چنین معشوقگانی احوال عاشقی خود را بیان می کند و اکثراً واژه زار و نزار را با هم می آورد:

کار نزاری کنون زاری و زار است و بس چون نرسد بعد از این دست به زور و زرم

۹۶/۲

صص: ۵۴۵-۶۹۵-۷۱۵-۱۱۸۱-۴۴/۲-۱۰۸/۲ و.....

علاوه بر موارد ذکر شده نزاری هم مانند سعدی و حافظ از جمله شاعرانی است که عشق به ترکان و زیبارویان سپاهی و لشکری در شعر او خودنمایی می کند و مشخص نیست که این نوع معشوق لشکری یا سپاهی زن است یا مرد.

خوی ترکان همه مایل به جفا و ستم است آزمودیم بسی، ترک وفادار کم است

ص ۶۷۸

پوشی سلاح کنیم سازی سلاح جنگم هر ساعتی روا نیست اندیشه سال و ماهت

ص ۹۵۴



از مهمترین خصوصیات شعری نزاری این است که او از معشوق تقاضا دارد برای او چهره گشایی کند و این برمی گردد به این که اولاً در زمان نزاری معشوق در پرده و حجاب بوده و ثانیاً چون او شاعری اسماعیلی است می خواهد همه چیز در مقابلش بی پرده و نقاب باشد:

برفکن برقع از آن روی چو ماه
تا به ماهت کنم از دور نگاه

و این تقاضای او گاهی به اندازه یک شفتالو (اندک) است:

طمع دارم ز چشم سر گرانت
که گه گمزه ای بر ما گماری

۳۲۱/۲

به یک شفتالو از سیب ز خندان
برآور کار من آبی و ناری

۸۶۴/۲

از دیگر ویژگی های فکری نزاری این که او گاهی در غزل مفاخره می آورد از جمله تفاخر به سفر، فقر و از همه مهمتر لقمه حلال.

تفاخر به سفر:

سفر بدان خوشم آید که بازآیم و تو
به پرسش آبی و من درکشم به آغوش

ص ۹۱۸

تفاخر به لقمه حلال:

حلال خواه چو من نیست دیگری در عمر
به روی دوست می خورم از آن شراب عنب

علاوه بر این ویژگی های فکری می توان به گلایه از روزگار اشاره کرد که وی شاعری ظلم ستیز است و بیشترین گلایه های او از سفر است، همچنین از دیگر خصوصیات دیوان توجه شاعر به اغتنام فرصت است همانند اندیشه های خیامی. اما مهمترین نکته در شعر او توجه نزاری به صبح گرایی^{۲۸} است و می توان او را چون خاقانی شاعر صبح نامید و احتمالاً می تواند نکته ای اسطوره ای داشته باشد که توجه نزاری را به آیین مهری می رساند. علاوه بر این با توجه به ناحیه جغرافیایی خراسان و حضور همیشگی خورشید در شرق^{۲۹} او چنین تصویرهایی را آورده است به شراب نوشی در صبح علاقه خاصی دارد و اکثر مطلع غزل هایش با این موضوع آمده است و نکته دیگری که



حائز اهمیت است این که او تصویرهای خفاش را در شعر دارد که با خورشید متناسب است و خفاش را نقطه مقابل خورشید می داند:

ز جام صبحی گریزان مباش / چو خفاش در هر پی از آفتاب

ص ۵۶۵

سبک شخصی شاعر:

چنان که پیش از این یادآور شدیم زیباترین بخش سبک شناسی دیوان نزاری، سبک شخصی شاعر و تأثیر محیط بر شعر او است که با توجه به آن می توانیم به زوایا و سایه روشن های زندگی نزاری پی ببریم که بهترین منبع، دیوان شعری اوست.

از آنجایی که نزاری در محیط کوهستانی جنوب خراسان و در ناحیه قهستان زندگی می کرده بنابراین شعر او کاملاً تحت تأثیر محیط جغرافیایی وی قرار گرفته است چنانکه این ویژگی ها به طور خودآگاه یا ناخودآگاه در شعر او خودنمایی کند که البته قابل اعتنا است.

نزاری با آوردن کلمات نخ - نسیج - پنبه - حلاج - خیاط مراتب صنعتی نساجان را در قهستان یادآوری می کند.^{۳۰}

دانه از پنبه حلاج جدا می کردم / بود و تارش همه آن است که در شانه توست

ص ۷۴۳

در عین حال یاد آور همان عرق چین نیز می باشد زیرا لباس پنبه ای و خنک است.

ولی چون سود که بر قامت نزاری دوخت / قبای پشته رایبی زمانه خیاط

ص ۱۳۳۲

۲- آوردن واژه «عرق چین» در شعر که پیش از این درمورد آن سخن گفتیم که نوعی لباس زیر (زیر پیراهن = عرق گیر) است که مخصوص مردم جنوب خراسان است.

۳- دو میوه ای که نزاری از آنها یاد می کند «عنانب و شفتالو» است که شفتالو نوعی هلو می باشد و عنانب هم میوه ای است مخصوص همان منطقه قهستان که هنوز در بیرجند و اطراف از این میوه تناول می کنند.^{۳۱}



خنک دستی که از طوبای قدت به شفتالو گرفتن بر رسیده است

ص ۸۵۵

بیا کز آتش فرقت چو ژاله می بارد بر آبگینه رویم سرشک عنابی

ص ۳۹۲/۲

۴- به کار بردن واژه عسل و زعفران و انگور که مربوط به همان منطقه است و ضمناً این که نزاری در قریه بیدان یا بهدان صاحب باغ های انگور و علائق دیگر بوده است.

۵- توجه به صبح گرایی که در بخش فکری نیز به طور مفصل به آن اشاره شد.

۶- زندگی کوهستانی چنان تأثیر و غلبه در شعر نزاری دارد که حتی جانورانی که در شعر از آنها نام می برد مربوط به مناطق کوهستان است.

پرنندگان از جمله: دراج - عقاب - باز - صعوه و... گزندگان صحرائی مثل: مار - افعی - عقرب و... و درندگان مثل: پلنگ - گرگ و... چنان که این مورد در شعر ناصر خسرو نیز کاملاً آشکار است.
نزاری:

همای عشق بر هر سر کمر سایه بگسترد و گرچه صعوه بود از عقاب باز گرفت

ص ۹۳۲

ناصر خسرو:

به جز شکر نعمت نگیرد که شکر عقاب است و نعمت چو کبک دری است

ص ۱۱۳

علاوه بر این نزاری در غزل نام شتر را می آورد و آوردن این واژه مطمئناً بی دلیل نیست چنان که منطقه نسبتاً کوچک بیرجند یکی از مراکز صنعتی و بازرگانی قهستان به شمار می رفته است راه های تجارتی که شهرهای بزرگ اراک، نیشابور، کرمان و سیستان و... را به هم مرتبط می ساخته است.

بنابراین نزاری با دیدن کاروان های تجارتی که از این جاده می گذشتند واژه شتر را آورده است و سرعت این شتران را در خاطر دارد و در شعر منعکس می کند:



محلی ندارد نشیب و فراز

به پای شتر خاصه مست خراب

۱۲۳۰

نتیجه گیری:

چنان که قبلاً گفته شد با مطالعه سبکی در متون ادبی اعم از نظم یا نثر می توان به طرز تفکر و زندگی و اثرپذیری شاعران و نویسندگان از محیط اطراف پی برد و به نتایج مطلوبی دست یافت با توجه به این مورد ما نیز بر آن شدیم با مطالعه عمیق در دیوان حکیم نزاری قهستانی دریابیم که شعر او آینه تمام نمای اندیشه و طرز تفکر این شاعر اسماعیلی مذهب است همچنین تأثیر محیط بر شعر او را نشان دادیم و حرف هایی تازه هر چند اندک برای گفتن در این موجز آوردیم که در نوع خود کم نظیر است.

پی نوشت:

*مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد اینجانب با راهنمایی دکتر عبدالرضا مدرس زاده استادیار دانشگاه آزاد اسلامی کاشان که در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه آزاد اسلانی برگزار و دفاع شده است.

۱- دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۳، ذیل سبک، ص ۱۱۸۲۰

۲- (ن.ک)، خلاصه سبک شناسی و انواع شعر پارسی، ۱۳۶۷، (سید) (ن.ک)، سبک شناسی شعر

پارسی، ۱۳۷۷، دکتر غلامرضایی) - (ن.ک)، سبک شناسی شعر، ۱۳۸۳، دکتر شمیسا)

۳- (ن.ک)، مقاله بیرجند در کمند دو نگاه، گزارش نامه هایی از قهستان، مجله آینه پژوهش، شماره

۷۱ و ۷۲ ص ۸۱ تا ۹۹) (ن.ک). تاریخ ادبیات در ایران، دکتر صفا ۱۲۶۳، ص ۷۳۱/۳ و ۷۳۲/۳ - (ن.ک).

زندگی و آثار نزاری، دکتر بای بوردی، ۱۳۷۰، مترجم مهناز صدری) - (ن.ک)، تذکره آتشکده، ۱۳۷۷

، آذر بیگدلی، ص ۱۹) (ن.ک) فرهنگ شاعران زبان پارسی، ۱۳۸۱، حقیقت، ص ۵۵۹) (ن.ک). دیوان

حکیم نزاری قهستانی، دکتر مصفا، ۱۳۷۱، ص ۱۴) (ن.ک). نسیم بهاری در احوال حکیم نزاری، دکتر

مجتهدزاده، ۱۳۴۴) - (ن.ک). مقاله «حکیم نزاری قهستانی» ۱۳۴۵، دکتر مجتهدزاده، مجله دانشکده



- ادبیات فردوسی مشهد، شماره ۲ و ۳، سال دوم، تابستان و پائیز) (ن.ک. مقاله «حکیم نزاری قهستانی»
۱۳۶۸، فرزین، به کوشش ایرج افشار با همکاری کریم اصفهانیان، نامواری دکتر محمود افشار،
۲۸۸۹/۵) (ن.ک. مقاله «نزاری قهستانی شاعر عارف مکتب اسماعیلی، ۱۳۸۲، دکتر مهدوی، مجله
یگانه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، شماره ۲۷ و ۲۸، سال هفتم بهار و تابستان، ص ۵۵»
(ن.ک. لغت نامه دهخدا، ذیل نزاری قهستانی، ۱۳، ۱۳۷۳/۱۹۸۲۸)
- ۴- دکتر مجتهدزاده، نسیم بهاری در احوال حکیم نزاری، ۱۳۴۴
- ۵- دکتر صفا، تاریخ ادبیات در ایران، ۱۲۶۳، ص ۷۳۲
- ۶- وام گرفته از سخنان دکتر مدرس زاده - عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کاشان
- ۷- دکتر مصفا - دیوان نزاری، ۱۳۷۱، ص ۱۷۴
- ۸- (ن.ک. مقاله «آرامگاه حکیم نزاری»، ۱۳۵۷، غنی، مجله یغما، شماره ۳۱، ص ۵۶۹ تا ۵۷۰)
- ۹- (ن.ک. تاریخ ادبی ایران (از سعدی تا جامی) براون، ۱۳۵۱، ترجمه و حواشی دکتر علی اصغر
حکمت، جلد ۳، ص ۱۹۸ تا ۲۰۰)
- ۱۰- (ن.ک. تاریخ نظم و نثر در ایران، نفیسی، ۱۳۶۳، جلد ۱)
- ۱۱- (ن.ک. مقاله «حکیم نزاری قهستانی» (۸۳/۳/۲۹) میرشاهی، www.1003.persainblog.com)
- ۱۲- (ن.ک. مقاله «خسرو شیرین دهنان» ۱۳۸۵، دکتر مدرس زاده، ارائه شده در همایش بین المللی
بزرگ داشت امیر خسرو دهلوی، فروردین ۱۳۸۵)
- ۱۳- دکتر مدرس زاده، رساله سبک عراقی در شعر فارسی، ۵۸۶/۲
- ۱۴- همو، همان جا
- ۱۵ دکتر مصفا، دیوان نزاری ۱۳۷۱، ص ۶۹۹
- ۱۶- (ن.ک. پوشاک در ایران زمین، یار شاطر، ترجمه پیمان متین، ۱۳۸۲، صص ۳۹۰-۳۷۰)
- (ن.ک. کتاب فرهنگ البسه مسلمانان - دکتر آذری، دکتر هروی، ۱۳۵۹، ص ۲۸۰ به بعد)
- (ن.ک. تاریخچه پوشش سر در ایران، دکتر شهشانی، ۱۳۷۴، ص ۱۳۸)



۱۷- فروزنده، لباس محلی استان خراسان، تحقیق دست نویس، کتابخانه مرکزی آستان قدس

رضوی، ص ۱۲۳

۱۸- وام گرفته از سخنان دکتر سعید خیرخواه-عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی کاشان

۱۹- (ن.ک. مثنوی روز و شب، نزاری قهستانی، تصحیح پور جوادی، ۱۳۸۵، تهران)

۲۰- رساله سبک عراقی در شعر فارسی، دکتر مدرس زاده، ص ۵۹۷

۲۱- (ن.ک. همان، همو)

۲۲- راوندی-تاریخ اجتماعی ایران، ۱۳۸۲، ۱۷۲/۹

۲۳- (ن.ک. دایره المعارف بزرگ اسلامی، دکتر اصغر دادبه، ذیل باطنیه، ۱۳۸۱، ۱۹۶/۱۱)

۲۴- دکتر فرقانی، تاریخ اسماعیلیان قهستان، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴

۲۵- دکتر دادبه، ذیل «دعوت»، ۱۳۸۳، دایره المعارف تشیع، ۵۴۵/۷

۲۶- (ن.ک. معرفی کتاب «نزاری قهستانی و تداوم سنت اسماعیلی»، دکتر فریدون بدره

(www.nazariblosky.com)

۲۷- (ن.ک. سوگند در ادب فارسی، ۱۳۷۱، دکتر کیانی)

۲۸- (ن.ک. شاعر صبح، پژوهش در شعر خاقانی، ۱۳۷۷، دکتر ضیاءالدین سجادی)

۲۹- وام گرفته از سخنان دکتر مدرس زاده-عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی کاشان

۳۰- (ن.ک. تاریخ اسماعیلیان قهستان، ۱۳۸۱، دکتر فرقانی، ص ۷۲)

۳۱- وام گرفته از سخنان دکتر محمد مهدی ناصح-عضو هیات علمی دانشگاه مشهد. آشنایی با این

استاد بزرگوار و فرهیخته در کنگره بین المللی انجمن ترویج در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه اصفهان بود

و دقیقاً زمانی که به نوشتن پایان نامه کارشناسی ارشد مشغول بودم لذا از محضر ایشان سوالاتی

خاص در مورد ناحیه قهستان و بیرجند پرسیدم و آنها را در پایان نامه درج کردم که بسیار ارزشمند

بود علاوه بر این کتاب زندگی نامه نزاری را در اختیارم نهادند که جای بس تقدیر و تشکر را از

محضر ایشان دارد.



فهرست منابع:

کتاب ها:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آذر بیگدلی، ل، ۱۳۷۷، تذکره آتشکده، روزنه، ص ۹۱.
- ۳- آذری، ر. و هروی، ح. ۱۳۵۹، فرهنگ البسه مسلمانان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۸۰ تا ۲۸۱.
- ۴- بای بوردی، چ، مترجم: مهناز صدری، ۱۳۷۰، زندگی و آثار نزاری، به اهتمام و نفقه محمود رفیعی، تهران، علمی.
- ۵- براون، ا، ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت، ۱۳۵۱، تاریخ ادبی ایران (از سعدی تا جامی)، جلد ۳، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ص ۱۹۸ تا ۲۰۰.
- ۶- بهار، م، ۱۳۷۷، سبک شناسی زبان و شعر فارسی، به اهتمام کیومرث کیوان، چاپ نهم، تهران، مجید.
- ۷- حاج سید جواد سیدی، ا. وفانی، ک و خرماهی، ب، ۱۳۷۲، «اسماعیلیه»، دایره المعارف تشیع، جلد ۲، چاپ دوم، تهران، علمی فرهنگی، ص ۱۷۳ تا ۱۷۶.
- ۸- حافظ، ش. ۱۳۷۶، دیوان اشعار، به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی، تهران، جلوه.
- ۹- حقیقت، ع، ۱۳۸۱، فرهنگ شاعران زبان پارسی، شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- ۱۰- خانلری کیا، ز. ۱۳۴۸، فرهنگ ادبیات فارسی، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۱- خواجهی کرمانی، ک. ۱۳۷۰، دیوان اشعار، تهران، پاژنگ- کرمانشاهی.
- ۱۲- دادبه، ا. ۱۳۸۱، «باطنیه»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، بابا فرج تبریزی- برماوی، جلد ۱، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ص ۱۹۶ تا ۱۹۸.



- ۱۳- _____، ۱۳۸۳، «دعوت»، دایره المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر، حاج سید جوادی، بهاءالدین خرمشاهی کامران فانی، جلد ۷، چاپ سوم، تهران، نشر شهید سعید محبی، ص ۵۴۴ تا ۵۵۵
- ۱۴- دفتری، ف. ترجمه دکتر فریدون بدره ای، ۱۳۷۶، افسانه های حشاشین، تهران، نشر و پژوهش فرزاد.
- ۱۵- دهخدا، ع. ۱۳۷۳، لغت نامه، دوره جدید (۱۵ جلدی)، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۶- دهلوی، ا. ۱۳۶۱، دیوان اشعار، به تصحیح سعید نفیسی، به کوشش م، درویش، چاپ دوم، تهران، جاویدان.
- ۱۷- راوندی، م. ۱۳۸۲، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۹، چاپ دوم، روزبهان، ص ۱۷۲.
- ۱۸- زرین کوب، ع. ۱۳۷۵، از گذشته ادبی ایران مروری بر نثر فارسی سیری در شعر فارسی، نشر بین المللی الهدی، ص ۱۴۶.
- ۱۹- سجادی، ض. ۱۳۷۷، شاعر صبح (پژوهشی در شعر خاقانی شروانی)، چاپ چهارم، تهران، سخن.
- ۲۰- سعدی، م. ۱۳۶۵، کلیات سعدی، به اهتمام محمد علی فروغی، تهران، امیرکبیر.
- ۲۱- سید، ج. ۱۳۶۷، خلاصه سبک شناسی و انواع شعر پارسی، تربیت، ص ۷۵ تا ۷۹.
- ۲۲- سعد سلمان، م. ۱۳۶۲، دیوان اشعار، با مقدمه ناصر هیری، چاپ خانه فراین.
- ۲۳- شمیسا، ۱۳۷۸، کلیات سبک شناسی شعر ویرایش ششم، فردوس.
- ۲۴- _____، ۱۳۸۳، سبک شناسی شعر، (ویرایش دوم)، میترا.
- ۲۵- شهشانی، س. ۱۳۷۴، تاریخچه پوشش سر در ایران، مدبر، ص ۱۳۸.
- ۲۶- غلامرضایی، م. ۱۳۷۷، سبک شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، تهران، جامی.
- ۲۷- صفا، ذ. ۱۲۶۳، تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۳، بخش دوم، چاپ سوم، تهران، ادیب.



- ۲۸- فرزین، ع. ۱۳۶۸، «حکیم نزاری قهستانی» نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش ایرج افشار، با همکاری کریم اصفهانیان، جلد ۵، تهران، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی، موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، ص ۲۸۸ تا ۲۸۹.
- ۲۹- فرقانی، م. ۱۳۸۱، تاریخ اسماعیلیان قهستان، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳۰- کیانی، ح. ۱۳۷۱، سوگند در زبان و ادب فارسی، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳۱- مجتهدزاده، م. ۱۳۴۴ ق/م، نسیم بهاری در احوال حکیم نزاری، تهران، دانشگاه تهران.
- ۳۲- منشی، م. ۲۵۳۵، واژه نامه بسامدی شعرهای شهید بلخی، زیر نظر فریدن بدره‌ای، بنیاد شاهنشاهی فرهنگستان های ایران.
- ۳۳- ناصر خسرو، ا. ۱۳۷۵، دیوان اشعار، با مقدمه و تصحیح دکتر مصفا، به نفقه و اهتمام دکتر محمود رفیعی، جلد ۱، تهران، علمی.
- ۳۴- نزاری قهستانی، س. ۱۳۷۱، دیوان اشعار، با مقدمه و تصحیح دکتر مصفا، به نفقه و اهتمام دکتر محمود رفیعی، جلد ۱، تهران، علمی.
- ۳۵- _____، ۱۳۷۳، _____، جلد ۲، _____.
- ۳۶- نزاری قهستانی، س. ۱۳۸۵، مثنوی روز و شب، سروده حکیم نزاری قهستانی، تصحیح و مقدمه نصرالله پورجوادی، نشر نی، تهران.
- ۳۷- نفیسی، س. ۱۳۶۳، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، جلد ۱، چاپ دوم، فروغی.
- ۳۸- یار شاطر، ا. ترجمه پیمان متین، ۱۳۸۲، پوشاک در ایران زمین، از سری مقالات دانشنامه ایرانیکا، تهران، امیرکبیر.
- مجلات:**



۱- ارشاد سرابی، ا. ترجمه محمد حسن گنجی، بیرجند درکمند دو نگاه، مجله آینه پژوهش، شماره ۷۱ و ۷۲، ص ۸۱ تا ۹۹.

۲- غنی، ک. «آرامگاه حکیم نزاری»، ۱۳۵۷، مجله یغما، شماره ۳۱، ص ۵۶۹ تا ۵۷۰.

۳- مجتهدزاده، ع. ۱۳۴۵، «حکیم نزاری قهستانی» ضمیمه مجله دانشکده ادبیات مشهد، سال ۲، شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز، ص ۷۱ تا ۱۰۰.

۴- _____، «نزاری قهستانی» _____، شماره _____، ص _____
۲۹۸-۳۱۵.

۵- مهدوی، م. ۱۳۸۲، «نزاری قهستانی شاعر مکتب اسماعیلی» فصلنامه یگانه، سال ۷، شماره ۲۷ و ۲۸، بهار و تابستان، ص ۵۱ تا ۶۱.

اینترنت:

۱- میرشاهی، ع. (۱۳۸۳/۴/۲۹) «حکیم نزاری قهستانی» www.1003.persianblogm.com

۲- بدره ای، ف. معرفی کتاب «نزاری قهستانی و تداوم سنت اسماعیلی»

www.nazariblosky.com

سایر موارد:

۱- فروزنده، پ. لباس های محلی استان خراسان، تحقیق دست نویس، موجود در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی.

۲- مدرس زاده، ع. ۱۳۸۵، مقاله «خسرو شیرین دهنان»، (نگاهی سبک شناسانه به اشعار امیر خسرو دهلوی) ارائه شده در همایش بین المللی بزرگ داشت امیر خسرو دهلوی، فروردین، دهلی.